

## << سیاست کنترل کارگری >> واقعیت یا توهم

رضا رشیدی

شنبه ششم مهر ۱۳۸۷

این روزها اعتراضات و اعتصابات متعددی را شاهد هستیم، روزی نیست که کارگران برای امرامعاش در تقابل بین خود و سرمایه داران وارد کمکش جدیدی نشوند.

آمار اعتراضات کارگری در هیچ دوره ای به این تعداد نبوده است در دوره جدید مبارزه کارگران نقطه عطف های زیادی دارد که از یک طرف بیان درجه رشد و آگاهی کارگر را میرساند از طرف دیگر کارگران به اتکاء تجربیات هر روزه شان دست به ابتکارات، خلاقیتها و اتخاذ تاکتیک های متناسب میزنند. در این تجربیات فهمیده اند که مشکل نپرداختن دستمزدها، قراردادهای موقت و سفید امضاء ضعف مدیریت کارفرمایان نیست، سیستم کنترل و دستگاههای فرسوده نیست. همچنین کارگر در مبارزه اش به ضرورت اتحاد و یک دلی در این دوره پی برده اند و انعکاس آنرا در اتخاذ اشکال متحدشدن خود برگزیده اند و در این دوره با متشکل شدن در ظرف مجمع عمومی به عنوان یک تشکل پایه این دست آورد را ابزار پیشرفت مبارزه خود قرار داده اند.

یکی دیگر از دستاوردهای این دوره مبارزه کارگران اعلام خواسته کنترل بر فروش از طریق نمایندگان منتخب کارگران میباشد، نکته ای که اینجا میخواهم روی آن مکث کنم همین موضوع اخیر یعنی کنترل بر فروش تولیدات کارخانه میباشد که اخیراً از طرف عده ای از فعالین کارگری بعنوان دستمایه ای برای طرح مطالبه کنترل کارگری قرار گرفته است و سعی میکنند که این به ظاهر خواسته رادیکال را مشغله جدی کارگران نمایند. این جماعت میخواهند با <<سیاست کنترل کارگری>> کارگر را در مسیری بیندازند که سرانجام آن جز ناکامی، گرفتن اعتماد به نفس کارگر و نقش مبارزه اش و سرانجام گذاشتن یک آلترناتیو در مقابل کارگر که به ظاهر رادیکال ولی در سرانجام به نفع سرمایه داران خواهد بود. <کنترل کارگری> راه حلی است برای نجات کارخانجات و رشکسته و سرمایه داران در تداوم نپرداختن دستمزدها و فشار بیشتر بر کارگران.

فرض کنیم همین امروز کارگران فلان کارخانه تصمیم بگیرند که کنترل کارخانه را بعهده بگیرند اولین مشکلی که در مقابلشان قرار میگیرد تهیه مواد اولیه است. کارگری ماههاست که حقوق نگرفته و با دوشیفت کار در جاهای مختلف به زحمت اداره زندگیش را تامین میکند چگونه میتواند مواد اولیه برای کارخانه فراهم کند مسئله دیگر دستگاههای فرسوده است که قدرت رقابت با سایر کارخانجات که از دستگاههای پیشرفته استفاده میکند را ندارد سرعت تولید در مراکزی که از دستگاههای پیشرفته تر استفاده میکنند به مراتب بالاتر است و این رقابت بین این دو مرکز را به نفع سرمایه تضمین میکند. موضوع دیگر توزیع و فروش تولیدات، دولت سرمایه داری حامی سرمایه داران از تمامی امکانات خود برای حمایت سیستم سرمایه داری و سرمایه دار استفاده میکند و به خصوص در شرایط ایران طبق آمارهای افشاگرانه خودشان از هزاران کانال رسمی و غیر رسمی از دهها مراکز بندری ورود مواد اولیه و جنس در خدمت سرمایه داران قرار دارند که به مراتب باقیمت بسیار پایین- تری وارد میشود و همین قدرت رقابت را به نفع

سرمایه داران تضمین میکند از طرف دیگر شعار کنترل کارگری اینگونه الغاء میشود که سرمایه داران عاجز از اداره کارخانه هایشان هستند و نه اینکه سرمایه دار زرنگ تراست و سرمایه خود را در بخشی سرمایه گذاری میکند که سود بیشتری برایش دارد اگر کارخانجات ورشکسته در این دوره از سیاست سرمایه داری می توانست سوده باشد سرمایه دار هرگز خود را به زحمت نمی انداخت که کارخانه اش را ببندد و خود را دچار مخاطره کند.

تمامی امکانات در جامعه سرمایه داری در خدمت سرمایه داران است و اینکه بخواهیم یک کارخانه را از این سیستم خارج کنیم جز توهم چیز دیگری نیست سپردن کارخانه ورشکسته به کارگر و اینکه برو خودت تولید کن مواد اولیه اش را تهیه کن بازار فروشش را پیدا کن تنها و تنها فرستادن کارگر به مسلخی است که جز سرخوردگی، از هم پاشیدن اتحاد و تشکل کارگر ارمغان دیگری برای کارگر ندارد.

در غایب نبود تشکلهای وسیع توده ای در سطح فراگیر که بتواند حرف اول را در کشمکش بین کارگر و سرمایه دار بزند صحبت از <<سیاست کنترل کارگری>> ریختن آب به آسیاب سرمایه داران است.

یقیناً روزی که طبقه کارگر انتخاب سیاسی و حزب سیاسی خود را کرده باشد و در ابعاد سراسری متشکل شود یقیناً آن روز سیاست کنترل کارگری یک سیاست انقلابی و رادیکال و به نفع طبقه کارگر خواهد بود.

## **زنده باد اتحاد کارگری**

رضارشیدی ۳ مهر ۸۷